اشکال عدم مطابقت ضمیر مفرد در «انّ من عبادنا...» با قرائت « آل یاسین»

شاگرد: روایت امام رضا علیه‌السلام تکمیل شد؟

استاد: روایت را خواندم. عیون اخبار الرضا، ج۱، ص۲۳۶. حضرت از «سلام علی آل یاسین» استفاده کرده‌اند که خدای متعال بر آل محمد علیه‌السلام صلوات فرستاده است و احدی هم اعتراض نکرده است. این یکی از مواردی بود که قرائت آل یاسین آمده بود. جلوتر هم عرض کردم؛ اینها تکرار است، ولی چه کنیم اگر اینها تکرار نشود به‌عنوان چیزهایی که بسیار کارآیی دارد از ذهن‌ها می‌رود.

از ظاهر خود آیه «سلام علی آل یاسین» آن را در می‌کنند؛ کما اینکه طبری این کار را کرده است. می‌گوید: اگر «آل یاسین» باشد باید «انهم» باشد، درحالی‌که می‌گوید «انه من عبادنا...». ولی نافع و اهل مدینه اگر قرار بود با ضمیر قرائت را سر برسانند این حرف‌ها درست بود. چرا اینها جلا داده نمی‌شود؟! دو نفر مهم از قراء سبعه «آل یاسین» را می‌خوانند. کسی که کلاس قرائات را بداند می‌داند وقتی در کلاس قراء سبعه خوانده شده، شوخی نیست. در عشره هم سه تا بشوند و آنها هم بخوانند، اما به همین سادگی در کنید؟!

آن آقا گفتند شما حاضر هستید در نماز «آل یاسین» بخوانید یا نه؟ با این توضیحاتی که من عرض می‌کنم اجماع فقها است بر اینکه قرائت قراء سبعه را می‌توان خواند. وقتی اجماع محکم و با پشتوانه بسیار قوی هست، هیچ مشکلی نیست.

شاگرد: سوره طولانی‌ای هست، نمی‌توان آن را خواند!

استاد: قرائت ورش آن طولانی است! شوخی می‌کنم. از چیزهایی که جالب است این است که از سه قاری شش راوی «آل یاسین» خوانده‌اند. پنج تا از آنها مدی را که می‌کشند دم واحد است. ورش در اینجا ثلاثة البدل دارد. اصطلاح ثلاثة البدل در دم این است. وقتی به منزل رفتید این پنج-شش قرائت را گوش بدهید. پنج تا از آنها می‌خوانند «سلام علی آل یاسین»، اما ورش با ثلاثة البدل می‌خواند. سوره صافات بعد از سوره مبارکه یس است. شما هر بار مشهد مشرف می‌شوید سوره یس را که در نماز می‌خوانید! در نماز زیارت وارد شده که در رکعت اول یس بخوانید و در رکعت دوم الرحمان بخوانید. سوره مبارکه صافات هم بعد از سوره مبارکه یس است.

علی ای حال اگر این مبانی صاف شود تردید نمی‌کنید، نه تردید از سر تأسف، نه تردید از سر سباق و بدار به یک مطلب نادرست، بلکه از سر وضوح تردید نمی‌کنید. یعنی به این صورت بوده. الآن برگردیم و عبارت ایشان را ببینیم.

متقن ترین دلیل بر تعدد قرائت، تبیین وحید بهبهانی قده است در انتساب علم القراءات به اهل البیت علیهم السلام. وحید هفت مقدمه[1] آورده بودند. حاج آقا فرموده بودند وحید طوری بحث را جلو میبرد که دیگر میگویند «هذا مما یحکم به النساء و الصبیان». ایشان هفت مقدمه آورده بودند تا بگویند «علم القرائات علم اهل البیت» است. با اینکه با برداشت خودشان از حدیث حرف واحد در تهافت بود. عرض هم کردم خب چراهای ندانشتند. زمینه صدور حرف واحد از بین رفته بود. اگر آن زمینه هایش بیان میشد که مرحوم وحید اینطور نمی فرمودند. ولی این را که میگویند درست است.

---

[1]۱- علم القراءات متداول بوده ۲- اعاظم اصحاب أئمة ع ماهر در این فن بودند ۳- تقریر أئمة ع این اعاظم اصحاب را ۴- این علم لأجل المراعاة في العمل بوده ۵- اگر مشروع نبود نهی میکردند ۶- حتی اگر مشروع بود، الاهم فالاهم را مراعات میکردند ۷- منع کردند از علمی که لا یضر و لا ینفع.

بازبینی #2
ایجاد شده 2 مه 2024 15:19:38 توسط ... .
به روزرسانی شده 6 ژوئن 2024 13:47:19 توسط ... .